

پیش‌خواران

«رمزگشایی از مذاکرات ایران کنترا» در آیینه یک پژوهش توانستار

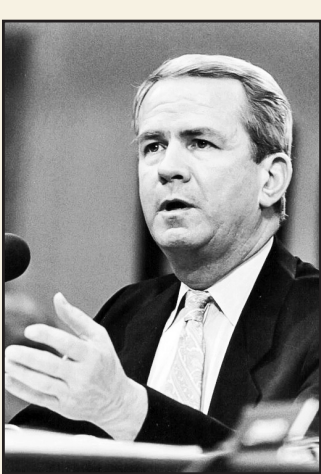
«قمار» امریکا در میانه جنگ تحمیلی

■ سمانه صادقی



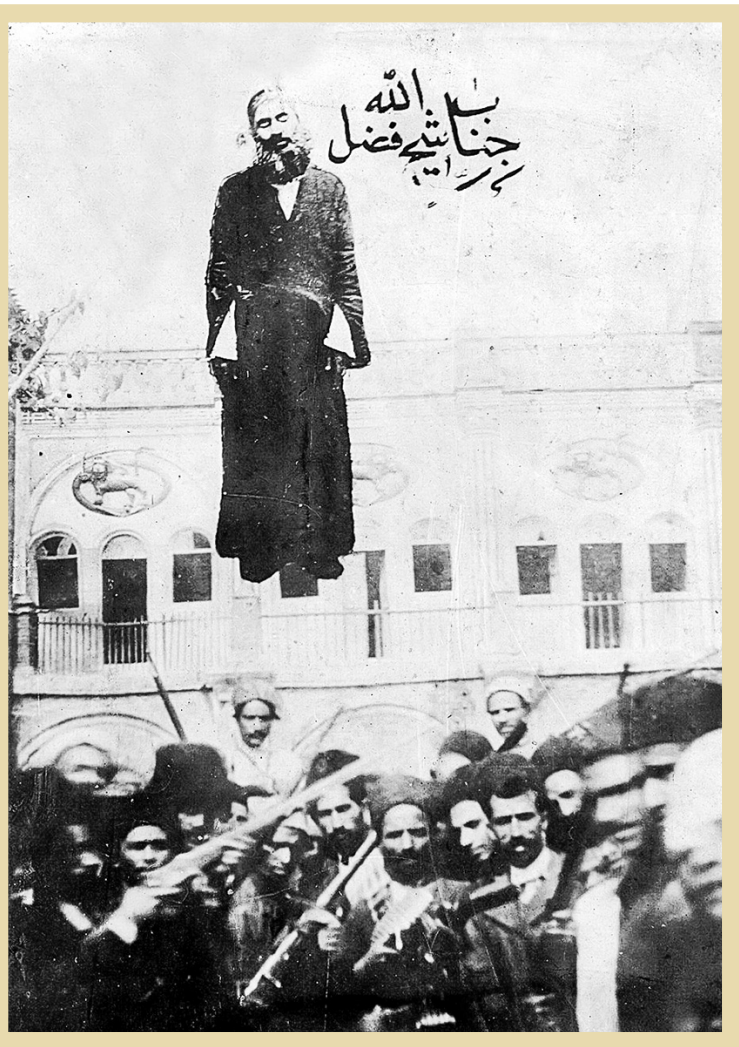
ایثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، همانگونه که از عنوان آن هویداست، بنا دارد تا مذاکرات تاریخی و فراسوش شده ایران و امریکا در

میانه جنگ تحمیلی در دهه ۶۰، رابه روایت و تحلیل بنشیند و از ماجرای رسوایی مک فارلین (ایران کنترا) رمزگشایی کند. «قمار» توسط سید محمدمهدی درفولی به نگارش در آمده و انتشارات شهید کاظمی، آن را روانه بازار کتاب کرده‌است. تانمای اثرطی یادداشتی ودر باره موضوع کتاب، به نکات پی آمده اشرات برده‌است: «ماجرای مک‌فارلین در تاریخ معاصر و موضوع رابطه ایران و امریکا، یکی از مسائل پیچیده برای بسیاری از علاقه منندان به رویدادهای سیاسی و تاریخی است، که اکنون با گذشت نزدیک به چهار دهه، فقط قدری از اطلاعات مربوط به آن موضوع، برای همگان مطرح شده و حالا با انتشار کتاب قمار به قلم سید محمد مهدی درفولی، اطلاعات تازه‌ای ازاین موضوع مکتوب و مطرح شده‌است. ۳۷ سال پیش در چنین ایامی، سفر حرمانه اربرت مک‌فارلین مشاور امنیت ملی رونالد ریگان به تهران صورت گرفت. سفری که بعدها، جز رسوایی برای امریکایی‌ها دستاوردی نداشت. این سفر در چهارم خرداد ۱۳۶۵ انجام شد و چنانکه در خاطرات اکبر هاشمی رفسنجانی آمده، تیمس امریکایی با پاسپورت ایرلندی آمدند و یک چهارم قطعات موشک هاگ در خواستی و برای مقامات ایران، کلت و کیک هدیه آوردند! به نوشته هاشمی: قرار شد هدیه را نپذیریم و ملاقات ندهیم و مذاکره را در سطح دکتر هادی و دکتر روحانی و مهدی نژاد آوردی نژاد! مخفی نگهداریم و



► وایرت مک فارلین

امذاکرات ا محدود به مسئله گروگان‌های امریکایی در لبنان و دادن قطعات هاگ و چند قلم دیگر اسلحه باشد. ا آنها بیشتر خواهان مذاکره در مسائل کلی و سیاسی‌اند... (۴ خرداد ۶۵) فردای آن روز قرار شد محمدعلی هادی نجف‌آبادی رئیس سپهبدان سیاست خارجی مجلس، با آنها گفت‌وگو کند. مک‌فارلین احساس اهانت کرد، که چرا مقامات با او حرف نمی‌زنند و چرا هدیه‌هاش را نمی‌پذیریم و می‌گویند اگر من برسی از خرید پوست گربه به روسیه بروم، گورباچف در روز دو بار با من ملاقات می‌کند. قرار شد به آنها بگویند به خاطر تخلف‌ها و بدقولی هایشان، اعتمادی به آنها نیست و تا عملاً جلب اعتماد نکنند، مذاکره رسمی ممکن نیست و این نظر سران قوا است... (هاشمی رفسنجانی) روز هفتم خرداد، مذاکره با امریکایی‌ها به بن‌بست رسید و آنها ایران را ترک کردند. هاشمی سه روز بعد به امام پیشنه‌ای می‌دهد: برای جلوگیری از پخش خبر توسط آنها، به گونه‌ای که ما را در موضع دفاعی قرار دهند، خودمان خبر آمدن آنها را ابتدا پخش کنیم... اما امام موافقت نکرد. هفته‌نامه لبنانی الشراع در آبان‌ماه، خبر را افشا می‌کند و همین موضوع در ۱۱ آبان، حاج سید احمد خمینی را نگران می‌کند و به هاشمی پیشنه‌ای می‌دهد، که آن را به گونه واقعی که برای ما پیروزی است و برای امریکایی‌ها خفت و شکست مطرح کنیم، پیش از آنکه دشمنان سوءاستفاده کنند. هاشمی در سخنرانی خود در ۱۲ آبان ۱۳۶۵، در سالگرد تسخیر سفارت امریکا، جزئیات این سفر را به طور رسمی اعلام می‌کند، که به نوشته او مثل بمب در دنیا منفجر شد!سید محمد مهدی درفولی در کتاب قمار، به‌صورت مشروح و با مستندات فراوان، به ماجرای مک‌فارلین می‌پردازد، که با توجه به انگشت‌شمار بودن تعداد کتاب درباره این موضوع، بسیار قابل اتکاست. کتاب قمار در ۴۱۶ صفحه و از سوی انتشارات شهید کاظمی، روانه بازار نشر شده است...



►یک برادر شده شهید آیت‌الله‌شیخ فضل الله نوری

«زمانه و کارنامه شهید آیت الله شیخ فضل الله نوری»

در گفت و شنود منتشر نشده حجت الاسلام والمسلمین علی ابوال حسنی(منذر)

با آیت الله حاج شیخ حسین لنکرانی – بخش یایانی

مردم از اعدام «شیخ» خبر نداشتند

عده‌ای را پای دار جمع کرده بودند!

■ محمدصادق ابوالحسنی

آغازین بخش از گفت و شنود منتشر نشده حاضر را، در روز گذشته از نظر گذرانید.

اینک واپسین قسمت از این مصاحبه بر نکته، پیش روی شماست. امید آنکه مشروطه پژوهان و عموم علاقه‌مندان را، مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

در جلسه گذشته مصاحبه‌ای داشتیم با حضرت آیت‌الله جناب حاج شیخ حسین لنکرانی، پیرامون واقیعت حوادث تاریخ مشروطه و مسائل پشت پرده و نقش



و عملکرد شهید آیت‌الله شیخ‌فضل‌الله نوری «علی‌الله مقامه». اگر به خاطر داشته باشید، ایشان در ابتدای جلسه قبل، اشاره‌ای اجمالی داشتند به سابقه ایران بعد از اسلام، مبنی بر اینکه ایران و ایرانی بعد از اسلام چه وضعیتی داشته و عمده مبارزات او، در جهت رسیدن به چه هدفی از آرمان‌هایش بوده است. ایشان بیان کردند که هدف عمده این مبارزات، خلاصی ایرانی از چنگ غُروبیت ضد اسلامی بود، که شاهنشاهان اموی و عباسی به اسم اسلام و به اسم خلافت اسلامی، بر ایران و ایرانی تحمیل کرده بودند. ایرانی با قبول اسلام و اصلاحات‌های اسلامی – که آن را در ناب‌ترین و خالص‌ترین شکل و شیوه‌اش در خاندان پیامبر(ص) یافته بود– دست به قیام‌های مستمر و مکرزی زد، تا از حاکمیت یک اقلیت غاصب و زورگوی متظاهر به اسلام در وطنش نجات پیدا کند و با تأسیس نظام ایده‌آل خود، به استقلال دست یابد.قیام‌های مستمر تاریخ‌شیعیه، از جمله‌قیام «سید اسماعیل صفوی» در جهت رسیدن به چنین هدف و آرمان مقدسی بود و طبیعی بود که از زمان تأسیس سلسله صفویه به بعد، تلاش ایرانی به‌جای تلاش در جهت سرنگونی قدرت‌های حاکم، بر دفاع از استقلال کشور و تصحیح و تهذیب نظام حاکم متمرکز شود. حالا دیگر دلیلی نداشت که حکومتی را که بر اساس آن به استقلال ارضی خودش رسیده بود منقرض کند، بلکه در جهت تصحیح و تهذیب انحرافات احتمالی گام‌برمی‌داشت. ایشان در ادامه، به‌عنوان سابقه و زمینه تاریخی قیام عدالتخانه شهید شیخ‌فضل‌الله نوری، به نهضت مرحوم «حاج‌ملاعلی کنی» در قیام علیه قرارداد «امتیازات روتر» اشاره کردند و پس از آن به نهضت تنباکو به رهبری مرحوم «میرزای شیرازی». سپس افزودند: پس از پیروزی نهضت

عاریخ

تاریخ — ۸۸۵۲۳۰۶۰۹

بار تکرار شد و شیخ مزبور اصرار را از حد گذراند، حاج شیخ فضل‌الله دست برد و دو طرف محاسن خویش را گرفته و فشار داد و فرمود: اشیخ! تو اینها را، این خطرها را، فهمیده‌ای اما من نفهمیدم؟! اشیخ من همه اینها را می‌دانم، از این همه اصرار دست بردار! می‌دانم دل تو می‌سوزد، تو حق داری، من هم همه اینها را می‌دانم، ولی من تن به همه چیز ندادم، تا صد سال دیگر بگویند همه تسلیم شدند، بلکه بگویند یک آخوند مازندرانی هم بود، که فهمید مطلب چیست و بسا وجود همه خطرات باز هم ایستاد و مقاومت کرد... فهمیدی؟!...

■ آ پایان نقل خاطره از مرحوم جزائری آ

■ الان مرگ بر من گواراست!

ما تاریخ نمی‌نویسیم، شما خاطرات را یادداشت می‌کنید. من هم تاریخ‌نویس نیستم. بله، در تاریخ مؤثر بوده‌ام، ولی تاریخ‌نویس نیستم. ترتیبی هم بین مطالبمان نیست. خاطره‌ای است که به ذهن می‌آید و شما هم آن را یادداشت می‌کنید. مرحوم مستشارالدوله (صادق) – که رئیس مجلس وقت بود– نقل کرد: «حاج شیخ وقتی متهم قانون اساسی تمام شد، خودش به همراه منشی‌اش (حاج میرزا علی‌اکبر محرز مخصوص شیخ به مجلس شریف آورد و به پشتی‌ای که در آنجا بود، تکیه داد. در حالی که راحت نشسته و سر عصای اپنوس روی دوش بود، گفت: میرزا علی‌اکبر، بخوان! منشی شروع کرد به خواندن اصول اصلی راجع به حق وتوی فقها، که امروز تعبیر به ولایت فقیه می‌شود و همان حرفی است که شیخ می‌فتد! این اصول را قرائت کرد. پس از خوانده شدن متن، شیخ از حالتی که تکیه داده بود، خارج شد و راست‌نشست و سرش را روی دسته عصای اپنوسش گذاشت و گفت: حاج میرزا علی‌اکبر، دوباره بخوان! او دوباره شروع کرد به خواندن: سپس شیخ، عصا را روی شانه گذاشت و گفت: یک دفعه دیگر بخوان! میرزا علی‌اکبر، یک بار دیگر خواند. در این هنگام، شیخ یک کلمه عربی بیان کرد، که من نمی‌دانم چه بود... ». آنجا بعد از شهربور ۲۰، در یکی از جلساتی که با حضور عده زیادی از بزرگان بر گزار می‌شد و با هدف مبارزه با اشغال ایران اقداماتی در آن انجام می‌دادیم، کلمه‌ای گفت که ما چون سابقه داشتیم و می‌دانستیم فرموده ایشان چیست، (مرحوم مستشارالدوله نمی‌توانست آن عبارت عربی را، درست به گونه‌ای که تحویل گرفته بود، تحویل بدهد. نتیجه گرفتیم که آن عبارت عربی، همان «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» است، که همه می‌دانستند که شیخ آن روز گفته بود، یعنی «حالا دیگر مرگ بر من گوارا شده»، یعنی کارم را انجام دادم، یعنی این افسار را آبر مرکب چموش سیاست آ زدم و به گونه‌ای کار را انجام دادم، که دیگر نتواند قانونی خلاف شرع تصویب کنند». ولی حیف که مشروطه دوم ایجاد شد، تا آن اصل نسیاً منسباً بشود. آیا شما هیچ اثری، نمونه‌ای، حرفی، در این جریان‌ها از موضوع نظرات و حق علما بعد از مشروطه یاد دارید؟ آیا می‌دانید آنچه در دوران مشروطه دوم شده، خلاف قانون بوده و از اساس و به حکم قانون اساسی، اثر نگیرند و آن را نجس نمی‌دانند. ولی یادشان نیست که استعمار دقیقاً همان روز را برای دار زدن شیخ تعیین کرده بوده است. آ، که وثوق‌الدوله و نواب عجله کردند و آن کار را انجام دادند. آیا حالت تأثر شدیداً در این باره بعداً صحبت خواهیم کرد. نمی‌دانم چه بگویم، هر وقت فکر می‌کنم، نمی‌توانم بگویم که آیا ممکن بوده شخصیتی مثل شیخ فضل‌الله نوری را... اعدام می‌گیرند و آن را نجس نمی‌دانند. ولی یادشان نیست

که استعمار دقیقاً همان روز را برای دار زدن شیخ تعیین کرده بوده است. آ، که وثوق‌الدوله و نواب عجله کردند و آن کار را انجام دادند. آیا حالت تأثر شدیداً در این باره بعداً صحبت خواهیم کرد. نمی‌دانم چه بگویم، هر وقت فکر می‌کنم، نمی‌توانم بگویم که آیا ممکن بوده شخصیتی مثل شیخ فضل‌الله نوری را... اعدام می‌گیرند و آن را نجس نمی‌دانند. ولی یادشان نیست که استعمار دقیقاً همان روز را برای دار زدن شیخ تعیین کرده بوده است. آ، که وثوق‌الدوله و نواب عجله کردند و آن کار را انجام دادند. آیا حالت تأثر شدیداً در این باره بعداً صحبت خواهیم کرد. نمی‌دانم چه بگویم، هر وقت فکر می‌کنم، نمی‌توانم بگویم که آیا ممکن بوده شخصیتی مثل شیخ فضل‌الله نوری را... اعدام می‌گیرند و آن را نجس نمی‌دانند. ولی یادشان نیست که استعمار دقیقاً همان روز را برای دار زدن شیخ تعیین کرده بوده است. آ، که وثوق‌الدوله و نواب عجله کردند و آن کار را انجام دادند. آیا حالت تأثر شدیداً در این باره بعداً صحبت خواهیم کرد. نمی‌دانم چه بگویم، هر وقت فکر می‌کنم، نمی‌توانم بگویم که آیا ممکن بوده شخصیتی مثل شیخ فضل‌الله نوری را... اعدام می‌گیرند و آن را نجس نمی‌دانند. ولی یادشان نیست که استعمار دقیقاً همان روز را برای دار زدن شیخ تعیین کرده بوده است. آ، که وثوق‌الدوله و نواب عجله کردند و آن کار را انجام دادند. آیا حالت تأثر شدیداً در این باره بعداً صحبت خواهیم کرد. نمی‌دانم چه بگویم، هر وقت فکر می‌کنم، نمی‌توانم بگویم که آیا ممکن بوده شخصیتی مثل شیخ فضل‌الله نوری را... اعدام می‌گیرند و آن را نجس نمی‌دانند. ولی یادشان نیست که استعمار دقیقاً همان روز را برای دار زدن شیخ تعیین کرده بوده است. آ، که وثوق‌الدوله و نواب عجله کردند و آن کار را انجام دادند. آیا حالت تأثر شدیداً در این باره بعداً صحبت خواهیم کرد. نمی‌دانم چه بگویم، هر وقت فکر می‌کنم، نمی‌توانم بگویم که آیا ممکن بوده شخصیتی مثل شیخ فضل‌الله نوری را... اعدام می‌گیرند و آن را نجس نمی‌دانند. ولی یادشان نیست که استعمار دقیقاً همان روز را برای دار زدن شیخ تعیین کرده بوده است. آ، که وثوق‌الدوله و نواب عجله کردند و آن کار را انجام دادند. آیا حالت تأثر شدیداً در این باره بعداً صحبت خواهیم کرد. نمی‌دانم چه بگویم، هر وقت فکر می‌کنم، نمی‌توانم بگویم که آیا ممکن بوده شخصیتی مثل شیخ فضل‌الله نوری را... اعدام می‌گیرند و آن را نجس نمی‌دانند. ولی یادشان نیست که استعمار دقیقاً همان روز را برای دار زدن شیخ تعیین کرده بوده است. آ، که وثوق‌الدوله و نواب عجله کردند و آن کار را انجام دادند. آیا حالت تأثر شدیداً در این باره بعداً صحبت خواهیم کرد. نمی‌دانم چه بگویم، هر وقت فکر می‌کنم، نمی‌توانم بگویم که آیا ممکن بوده شخصیتی مثل شیخ فضل‌الله نوری را... اعدام می‌گیرند و آن را نجس نمی‌دانند. ولی یادشان نیست که استعمار دقیقاً همان روز را برای دار زدن شیخ تعیین کرده بوده است. آ، که وثوق‌الدوله و نواب عجله کردند و آن کار را انجام دادند. آیا حالت تأثر شدیداً در این باره بعداً صحبت خواهیم کرد. نمی‌دانم چه بگویم، هر وقت فکر می‌کنم، نمی‌توانم بگویم که آیا ممکن بوده شخصیتی مثل شیخ فضل‌الله نوری را... اعدام می‌گیرند و آن را نجس نمی‌دانند. ولی یادشان نیست که استعمار دقیقاً همان روز را برای دار زدن شیخ تعیین کرده بوده است. آ، که وثوق‌الدوله و نواب عجله کردند و آن کار را انجام دادند. آیا حالت تأثر شدیداً در این باره بعداً صحبت خواهیم کرد. نمی‌دانم چه بگویم، هر وقت فکر می‌کنم، نمی‌توانم بگویم که آیا ممکن بوده شخصیتی مثل شیخ فضل‌الله نوری را... اعدام می‌گیرند و آن را نجس نمی‌دانند. ولی یادشان نیست که استعمار دقیقاً همان روز را برای دار زدن شیخ تعیین کرده بوده است. آ، که وثوق‌الدوله و نواب عجله کردند و آن کار را انجام دادند. آیا حالت تأثر شدیداً در این باره بعداً صحبت خواهیم کرد. نمی‌دانم چه بگویم، هر وقت فکر می‌کنم، نمی‌توانم بگویم که آیا ممکن بوده شخصیتی مثل شیخ فضل‌الله نوری را... اعدام می‌گیرند و آن را نجس نمی‌دانند. ولی یادشان نیست که استعمار دقیقاً همان روز را برای دار زدن شیخ تعیین کرده بوده است. آ، که وثوق‌الدوله و نواب عجله کردند و آن کار را انجام دادند. آیا حالت تأثر شدیداً در این باره بعداً صحبت خواهیم کرد. نمی‌دانم چه بگویم، هر وقت فکر می‌کنم، نمی‌توانم بگویم که آیا ممکن بوده شخصیتی مثل شیخ فضل‌الله نوری را... اعدام می‌گیرند و آن را نجس نمی‌دانند. ولی یادشان نیست که استعمار دقیقاً همان روز را برای دار زدن شیخ تعیین کرده بوده است. آ، که وثوق‌الدوله و نواب عجله کردند و آن کار را انجام دادند. آیا حالت تأثر شدیداً در این باره بعداً صحبت خواهیم کرد. نمی‌دانم چه بگویم، هر وقت فکر می‌کنم، نمی‌توانم بگویم که آیا ممکن بوده شخصیتی مثل شیخ فضل‌الله نوری را... اعدام می‌گیرند و آن را نجس نمی‌دانند. ولی یادشان نیست که استعمار دقیقاً همان روز را برای دار زدن شیخ تعیین کرده بوده است. آ، که وثوق‌الدوله و نواب عجله کردند و آن کار را انجام دادند. آیا حالت تأثر شدیداً در این باره بعداً صحبت خواهیم کرد. نمی‌دانم چه بگویم، هر وقت فکر می‌کنم، نمی‌توانم بگویم که آیا ممکن بوده شخصیتی مثل شیخ فضل‌الله نوری را... اعدام می‌گیرند و آن را نجس نمی‌دانند. ولی یادشان نیست که استعمار دقیقاً همان روز را برای دار زدن شیخ تعیین کرده بوده است. آ، که وثوق‌الدوله و نواب عجله کردند و آن کار را انجام دادند. آیا حالت تأثر شدیداً در این باره بعداً صحبت خواهیم کرد. نمی‌دانم چه بگویم، هر وقت فکر می‌کنم، نمی‌توانم بگویم که آیا ممکن بوده شخصیتی مثل شیخ فضل‌الله نوری را... اعدام می‌گیرند و آن را نجس نمی‌دانند. ولی یادشان نیست که استعمار دقیقاً همان روز را برای دار زدن شیخ تعیین کرده بوده است. آ، که وثوق‌الدوله و نواب عجله کردند و آن کار را انجام دادند. آیا حالت تأثر شدیداً در این باره بعداً صحبت خواهیم کرد. نمی‌دانم چه بگویم، هر وقت فکر می‌کنم، نمی‌توانم بگویم که آیا ممکن بوده شخصیتی مثل شیخ فضل‌الله نوری را... اعدام می‌گیرند و آن را نجس نمی‌دانند. ولی یادشان نیست که استعمار دقیقاً همان روز را برای دار زدن شیخ تعیین کرده بوده است. آ، که وثوق‌الدوله و نواب عجله کردند و آن کار را انجام دادند. آیا حالت تأثر شدیداً در این باره بعداً صحبت خواهیم کرد. نمی‌دانم چه بگویم، هر وقت فکر می‌کنم، نمی‌توانم بگویم که آیا ممکن بوده شخصیتی مثل شیخ فضل‌الله نوری را... اعدام می‌گیرند و آن را نجس نمی‌دانند. ولی یادشان نیست که استعمار دقیقاً همان روز را برای دار زدن شیخ تعیین کرده بوده است. آ، که وثوق‌الدوله و نواب عجله کردند و آن کار را انجام دادند. آیا حالت تأثر شدیداً در این باره بعداً صحبت خواهیم کرد. نمی‌دانم چه بگویم، هر وقت فکر می‌کنم، نمی‌توانم بگویم که آیا ممکن بوده شخصیتی مثل شیخ فضل‌الله نوری را... اعدام می‌گیرند و آن را نجس نمی‌دانند. ولی یادشان نیست که استعمار دقیقاً همان روز را برای دار زدن شیخ تعیین کرده بوده است. آ، که وثوق‌الدوله و نواب عجله کردند و آن کار را انجام دادند. آیا حالت تأثر شدیداً در این باره بعداً صحبت خواهیم کرد. نمی‌دانم چه بگویم، هر وقت فکر می‌کنم، نمی‌توانم بگویم که آیا ممکن بوده شخصیتی مثل شیخ فضل‌الله نوری را... اعدام می‌گیرند و آن را نجس نمی‌دانند. ولی یادشان نیست که استعمار دقیقاً همان روز را برای دار زدن شیخ تعیین کرده بوده است. آ، که وثوق‌الدوله و نواب عجله کردند و آن کار را انجام دادند. آیا حالت تأثر شدیداً در این باره بعداً صحبت خواهیم کرد. نمی‌دانم چه بگویم، هر وقت فکر می‌کنم، نمی‌توانم بگویم که آیا ممکن بوده شخصیتی مثل شیخ فضل‌الله نوری را... اعدام می‌گیرند و آن را نجس نمی‌دانند. ولی یادشان نیست که استعمار دقیقاً همان روز را برای دار زدن شیخ تعیین کرده بوده است. آ، که وثوق‌الدوله و نواب عجله کردند و آن کار را انجام دادند. آیا حالت تأثر شدیداً در این باره بعداً صحبت خواهیم کرد. نمی‌دانم چه بگویم، هر وقت فکر می‌کنم، نمی‌توانم بگویم که آیا ممکن بوده شخصیتی مثل شیخ فضل‌الله نوری را... اعدام می‌گیرند و آن را نجس نمی‌دانند. ولی یادشان نیست که استعمار دقیقاً همان روز را برای دار زدن شیخ تعیین کرده بوده است. آ، که وثوق‌الدوله و نواب عجله کردند و آن کار را انجام دادند. آیا حالت تأثر شدیداً در این باره بعداً صحبت خواهیم کرد. نمی‌دانم چه بگویم، هر وقت فکر می‌کنم، نمی‌توانم بگویم که آیا ممکن بوده شخصیتی مثل شیخ فضل‌الله نوری را... اعدام می‌گیرند و آن را نجس نمی‌دانند. ولی یادشان نیست که استعمار دقیقاً همان روز را برای دار زدن شیخ تعیین کرده بوده است. آ، که وثوق‌الدوله و نواب عجله کردند و آن کار را انجام دادند. آیا حالت تأثر شدیداً در این باره بعداً صحبت خواهیم کرد. نمی‌دانم چه بگویم، هر وقت فکر می‌کنم، نمی‌توانم بگویم که آیا ممکن بوده شخصیتی مثل شیخ فضل‌الله نوری را... اعدام می‌گیرند و آن را نجس نمی‌دانند. ولی یادشان نیست که استعمار دقیقاً همان روز را برای دار زدن شیخ تعیین کرده بوده است. آ، که وثوق‌الدوله و نواب عجله کردند و آن کار را انجام دادند. آیا حالت تأثر شدیداً در این باره بعداً صحبت خواهیم کرد. نمی‌دانم چه بگویم، هر وقت فکر می‌کنم، نمی‌توانم بگویم که آیا ممکن بوده شخصیتی مثل شیخ فضل‌الله نوری را...